

نقش انفاق در تهذیب و تکامل مؤمن و جامعه ایمانی

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصرتی*

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ»^۱

اشاره

انسان موجودی کمال طلب است و خداوند فطرت او را بر تعلق به کمال و تنفر از نقص آفریده است؛^۲ همچنین تمام انبیا برای تربیت انسان آمده‌اند؛ یعنی این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی ما فوق الطبیعه و ما فوق الجبروت برسانند.^۳

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تهذیب هم در فرد و هم جامعه، انفاق است. آموزه‌های قرآنی و سیره معصومان عليهم‌السلام آکنده از بیان اهمیت و رهنمود به این ویژگی اخلاقی پسندیده است. در این مقاله، پس از بررسی مفهومی انفاق، تهذیب و تکامل فردی و اجتماعی، نقش انفاق در تربیت و کمال فرد و جامعه بررسی می‌شود. گرچه تمرکز این نوشتار بر نقش انفاق در تهذیب و تکامل جامعه ایمانی است، از آنجاکه جامعه همان حیات جمعی افراد است و مسئولیت‌ها و نتایج نیز بیشتر متوجه افراد است، باید نقش انفاق در تکامل و تهذیب فرد مؤمن نیز تبیین شود.

* سطح سه حوزه علمیه قم.

۱. بقره: ۲۷۴: «أَنَّهُمْ كَمَالٍ خُودِ رَ، شَبِ وَ رَوِزِ، پَنَهَانِ وَ أَشْكَارِ انْفَاقِ مِی‌کُنْدِنْدِ، مَزْدَشَانِ نَزْدِ پَرُورْدِگَارِشَانِ اسْتِ؛ نَه

تَرْسِی بَرِ آنَهَاسْتِ وَ نَهْ غَمْگِیْنِ مِی‌شَوْنْدِ.»

۲. سیدروح‌الله خمینی، چهل حدیث، ص ۱۵۹.

۳. همو، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۵.

معناشناسی

«تهذیب»: در لغت به معنای پاکیزه کردن، پاک داشتن و پاک کردن اخلاق است.^۱ این واژه در بیان قرآنی به معنای تزکیه، پاک کردن و پیراستن نفس از کمبودها و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است.^۲ خداوند متعال در قرآن کریم، راه رسیدن به فلاح و رستگاری و کمال را تزکیه نفس معرفی می‌کند: «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۳ و آن‌که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده کرده، نومید و محروم شده است».

«انفاق»: این واژه در لغت از ماده نفق به معنای کم شدن، ناقص شدن، نابود شدن و از بین رفتن است.^۴ انفاق با توجه به حدود و قوانین و نیز تأثیر در اخلاق و شخصیت فردی یا آثار اجتماعی، هم در اخلاق و هم در فقه ابواب چشمگیری را به خود اختصاص داده است و از حیث گستره موضوعی، با بسیاری از موضوعات ربط مستقیم پیدا می‌کند. انفاق در علم اخلاق یکی از عواملی است که می‌تواند صفت رذیله بخل را از بین ببرد؛ همچنین با دل‌بستگی به دنیا که ریشه همه خطاها و بدی‌ها دانسته می‌شود، مقابله می‌کند. بنابراین بخشش مال و انفاق آن مرتبط با صفت جود و سخا در اخلاق است که دربرگیرنده اموری واجب و مستحب می‌شود.^۵ انفاق در فقه هم وجوه مختلفی پیدا می‌کند؛ از قبیل نفقه، زکات، صدقه و نذر که زکات، نذر و نفقه در جایگاه انفاق واجب هستند و صدقه یا کمک داوطلبانه به نیازمندان، مستحب است و موجب جلب رضایت و پاداش الهی می‌شود.

«کمال»: کمال انسان در اسلام، رشد برای قرب الهی و همراه با بندگی خداوند تحقق پیدا می‌کند. درحقیقت کمال انسان در آن است که رفتار جسمی و ظاهری و نیز رفتار عقلی و دانش وی، همسو با تمایلات و گرایش‌ها در جهت الهی قرار گیرند.

«تهذیب و کمال اجتماعی»: در اسلام بر زندگی اجتماعی تأکید بسیاری شده است. انسان مؤمن و کامل کسی است که هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی در پی تحقق آموزه‌های الهی باشد؛ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَّةَ، إِنَّمَا

۱. فرهنگ فارسی معین.

۲. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۰۰.

۳. شمس: ۹.

۴. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۰۸.

۵. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲۴.

رَهْبَانِيَّةٌ اُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ؛^۱ خداوند تبارک و تعالی رهبانیت را بر ما مقرر نفرموده است. رهبانیت امت من جهاد کردن در راه خداست». همچنین در تأکید همبستگی با اجتماع ضرورت اهتمام جدی به امور دیگر مسلمانان می فرماید: «مَنْ اَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِاُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛^۲ هرکس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هرکس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست».

نقش انفاق در تهذیب و تکامل فردی

انفاق چه با عنوان تربیت و تزکیه اخلاقی و چه در جایگاه یکی از احکام فقهی، پیامدها و و برکاتی دارد که به برخی از مهم ترین این موارد در ادامه اشاره می شود.

۱. آرامش و امنیت روانی

یکی از نتایج انفاق در شخصیت مؤمن، دستیابی به آرامش روانی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ اُجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۳ آنها که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند». در حقیقت انفاقی که برای خدا باشد، چنین دستاوردی را نیز به دنبال دارد.

وقتی مؤمن از مال دنیایی که با تلاش و زحمت فراوان کسب کرده است و حدود و قوانین فراوانی را در مسیر کسب آن رعایت می کند، دل می کند و آن را در راه خدا انفاق می کند، گویا روح و جان او از دلبستگی به دنیای فانی و زوال پذیر به وسعتی دل می بندد و به آن تکیه می کند که لایزال و فناپذیر است؛ بنابراین روح او در بی کران اعتماد به خدا آرامش می یابد.

۲. آموزش گناهان

قرآن کریم به برخی موارد مهم انفاق، یعنی قرض الحسنه و زکات اشاره می کند و آن را موجب مغفرت گناهان می داند: «وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ اَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْوَهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاَلَّا دُخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۶۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۳. بقره: ۲۷۴.

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛^۱ و خداوند [به آنها] گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [= در راه او به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [= می‌بخشم] و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم».

۳. قرارگرفتن مؤمن در زمره ابرار

خداوند متعال به هنگام سخن گفتن درباره ابرار، در وصف آنها می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۲ و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به "مسکین" و "یتیم" و "اسیر" می‌دهند». همچنین در مقامی دیگر انفاق را شرط رسیدن به مقام برّ می‌داند: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^۳ هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، [در راه خدا] انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است».

۴. برکت اموال

قرآن کریم تصریح می‌کند بر اینکه اگر به خداوند قرض الحسنه بدهید که یکی از مصادیق انفاق است، خداوند آن را برای شما چندبرابر می‌کند: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۴ کیست که به خدا [قرض الحسنه‌ای] دهد، [و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند] تا آن را برای او چندبرابر کند؟ و خداوند است [که روزی بندگان را] محدود یا گسترده می‌کند؛ [و انفاق هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود]. و به سوی او باز می‌گردید [و پاداش خود را خواهید گرفت]».

درواقع آنچه در آیه پیش‌گفته آمده است، به معنای برکت حاصل از انفاق است. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَرْكِيَةٌ لِلنَّفْسِ وَنَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ»^۵ زکات از یک‌سو سبب تزکیه نفس از آلودگی تعلق و اتکال به دنیا می‌شود و از دیگر سو اثر تکوینی و قابل محاسبه در رشد و فزونی رزق دارد».

۱. مانده: ۱۲.

۲. انسان: ۸.

۳. آل عمران: ۹۲.

۴. بقره: ۲۴۵.

۵. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۶۳.

۵. رسیدن به رشد و کمال

قرآن کریم انفاق‌کنندگان را به دانه‌ای تشبیه می‌کند که از آن هفت خوشه می‌روید و در هر خوشه یکصد دانه است؛ خداوند این مقدار را برای هر کسی که بخواهد، دو یا چندبرابر می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد. و خداوند آن را برای هر کس بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، دو یا چندبرابر می‌کند. و خدا [از نظر قدرت و رحمت]، وسیع و [به همه چیز] داناست».

البته انفاق آثار فراوانی در تهذیب و کمال مؤمن ایجاد می‌کند؛ همچون بهره‌مندی از پاداش الهی، شمول فضل الهی بر مؤمن، هم‌ترازی انفاق و اقامه نماز، رسیدن به ایمان حقیقی، بهره‌مندی از رزق کریم، دخول در رحمت الهی، نجات از ورطه‌های هلاک، برگشت کامل بهره انفاق به مؤمن، بهره‌مندی از اجر کریم، تزکیه نفس، قرارگرفتن در زمره محبتین و ... که این مختصر گنجایش بررسی همه این موارد را ندارد.

نقش انفاق در تهذیب و تکامل جامعه ایمانی

جامعه ایمانی، عرصه و زمینه بسیار مهم در پرورش و حرکت کمالی انسان مؤمن است. بنابراین اگر از انفاق در جایگاه عامل مؤثر در تحصیل و تکامل مؤمن یاد می‌شود، بی‌شک ابزاری مؤثر در تهذیب و تکامل جامعه ایمانی نیز به شمار می‌رود. انفاق اجتماعی دارای مصادیقی است؛ از جمله زکات، خمس، صدقه، وقف، کفاره، نفقه و تأمین معیشت افراد تحت تکفل، وصیت، هدیه و ...؛ همچنین آثار فراوانی در تهذیب و تکامل جامعه ایمانی دارد که در این بخش تنها به چند مورد مهم‌تر از آن آثار اشاره می‌شود.

۱. عدالت اجتماعی و تعدیل ثروت

انسان‌های جامعه در سطح واحدی از برخورداری قرار ندارند؛ برخی به هر دلیل ممکن است کمبودها و مشکلاتی داشته باشند و اصلاح زندگی‌شان خارج از توان شخصی آنهاست؛ بنابراین دیگر اعضای جامعه هم از باب نوع‌دوستی و هم اصلاح مجموعه‌ای که خود نیز عضوی از آن هستند، اقتضا می‌کند در پی رفع گرفتاری عضو دیگر جامعه برآیند. انفاق از یک دیدگاه، ابزاری

برای پرکردن حفره‌های اجتماعی و رفع فقر و ظلم در جامعه است؛ بنابراین اسباب برقراری عدالت اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ همان که یکی از اهداف اجتماعی بزرگ ارسال پیامبران است.^۱ خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تَتَّبِعُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۲ و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک انفاق]، خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد». این آیه کریمه به خطرهای بی‌توجهی به نیازهای عمومی جامعه اشاره دارد؛ یعنی اگر ثروتمندان بخل ورزند و انفاق نکنند، افزایش فاصله طبقاتی جامعه را در خطر انفجار و نابودی قرار می‌دهد.

طبع اقتصاد آزاد، ایجاد طبقاتی از انسان‌هاست که جمعی ثروتمند و فزون‌طلب، همواره بر امکانات مالی و ثروت سلطه دارند و بر تمتعات دنیایی آنان افزوده می‌شود و در سویی دیگر، جمعی بسیار که به هر دلیل فرصت‌ها و زمینه‌های لازم را ندارند، در فقر و تنگدستی و محرومیت از نعمت‌های دنیایی به سر می‌برند. نظام‌های سوسیالیستی بهره‌مندی تنها کارگر از محصول و نه سرمایه را تحقق عدالت اجتماعی دانستند. اقتصاد سوسیالیستی با ناکارآمدی در ایجاد عدالت اجتماعی و رفاه مواجه شد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از میدان رقابت خارج شد؛ ولی اقتصاد سرمایه‌داری به پشتوانه قدرت نظامی، رسانه‌ای و اقتصادی و با گسترش الگوی خود به سراسر جهان و بهره‌کشی از منابع، بازار کار و مصرف و ایجاد سازوکارهای کنترل ثروت در جهان توانسته است همچنان بقا و برتری خود را حفظ کند و هرچند با سهم‌کردن کارگران در سود حاصل از تولید و تجارت، توهم عدالت نسبی را ایجاد کرده است، ذات این نظام با عدالت منافات دارد؛ همچنان که فاصله بین طبقات برخوردار و کم‌برخوردار در دنیا به‌ویژه رژیم‌های سرمایه‌داری بسیار شدید است. اما نظام اقتصادی اسلام با مؤثر دانستن کار، سرمایه و نیاز در سود حاصل شده و بهره‌مندی از نتایج فعالیت اقتصادی، به گونه‌ای طراحی شده است که با قوانین و احکام اقتصادی و نیز اصول و قواعد اخلاقی می‌تواند ریشه فقر را بخشکاند و عدالت اقتصادی را تحقق بخشد. از جمله احکامی که چه از دیدگاه اخلاقی و چه از منظر فقهی می‌تواند برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی را عملی کند، "انفاق" است که با توجه به مصادیق فراوان آن به گونه شگفت‌آوری ثروت را تعدیل می‌کند و به فقیران کم‌توان و کسانی که به

۱. حدید: ۲۵.

۲. بقره: ۱۹۵.

هر دلیل از برخورداری مالی و رفاهی محروم هستند، امکان می‌دهد به سطح قابل قبولی از تأمین معیشت برسند.

۲. ایجاد امنیت اجتماعی

یکی از آثار انفاق در مقیاس جامعه اسلامی و ایمانی، ایجاد امنیت اجتماعی است؛ زیرا به بیان قرآن کریم، پرداخت نکردن انفاق در جامعه سبب هلاک آن جامعه می‌شود. معنای ضمنی آیه ۹۵ سوره «بقره» که می‌فرماید: «در راه خدا انفاق کنید و با دست خویش خود را به هلاکت نیندازید»، آن است که اگر انفاق نکنید، با دست خود در هلاکت می‌افتید. با دست خود، چون با انفاق می‌توانستید از هلاکت جلوگیری کنید. رهبر معظم انقلاب، با استشهاد به روایت ابویوب انصاری که گفته بود «معنای آیه این است که چون عده‌ای حاضر نبودند در راه خدا جان و مال بدهند، موجب هلاک جامعه می‌شد؛ بنابراین خداوند فرمود: "ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة"»^۱ می‌فرماید: «انفاق به معنای پرکردن خلأها و نیازها آن خرج کردنی است که خلأی را پر کند و نیازی را برآورده کند».^۲ ایشان مصادیق انفاق را تنها کمک به فقرا نمی‌دانند، بلکه می‌فرمایند: «این آیه مصادیق دیگری برای پرکردن خلأهای مالی جامعه دارد که عبارت است از مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی، در مقابل دفاع از کشور، دفاع از مرزها، دفاع از نوامیس، دفاع از نظام اسلامی و در مقابل بقیه تهاجم‌هایی که می‌شود».^۳ خداوند متعال می‌فرماید: «همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنید، سبک‌بار باشید یا سنگین‌بار و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد نمایید».^۴ یکی از حکمت‌های اصلی جهاد، ایجاد امنیت در مقابل شرارت‌های دشمن برای جامعه ایمانی است و در این آیه جهاد با مال در کنار و هم‌ردیف جهاد با جان قرار داده شده است و این مسئله نشان‌دهنده نقش انفاق در ایجاد و حفظ امنیت جامعه ایمانی است.

۳. انفاق وسیله رشد اقتصادی جامعه

ظاهر و روال طبیعی زندگی انسانی این‌گونه است که وقتی از مالی و امکانی هزینه می‌کند، از آن

۱. جلال‌الدین سیوطی، الذر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه اول، ایمان، ۱۳۵۳/۶/۲۸.

۳. همو، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴.

۴. توبه: ۴۱.

کم می‌شود. بر اساس همین تصور، وسوسه‌های شیطانی جلوی انفاق و صدقات را می‌گیرد و با به‌هم‌ریختن دستگاه محاسباتی، به انسان‌ها ترس و نگرانی از انفاق را القا می‌کند؛ درحالی‌که خداوند وعده می‌دهد و وعده او صادق است که انفاق موجب ازدیاد مال شما و نیز بهتر شدن حال شما می‌شود. خطاب جمع در آیه را می‌توان دربرگیرنده حال جامعه دانست؛ همچنین انفاق اجتماعی را ابزاری برای رشد اقتصادی تلقی کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّدَقَةُ بِعَشْرِ وَ الْقَرْضُ بِتَمَائِيَةِ عَشْرٍ»؛^۱ سپس چندبرابر شدن را تبیین می‌فرماید و صدقه را که بخشیدن مال به نیازمند است، موجب برگشت ده‌برابری آن و قرض الحسنه را سبب برگشت هجده‌برابری آن می‌داند.

خلاصه و نتیجه

در این نوشتار به‌اختصار نقش انفاق در جایگاه یکی از آموزه‌های اساسی اسلام در تهذیب و تکامل انسان مؤمن و جامعه ایمانی بررسی شد؛ چراکه انفاق در مواردی هم‌ردیف نماز، زکات و جهاد آورده شده است. نقش‌هایی که انفاق در فرد مؤمن ایجاد می‌کند، عبارت‌اند از: امنیت و آرامش روانی؛ آموزش گناهان؛ قرارگرفتن مؤمن در زمره صالحان، متقین، محسنین، ابرار و هدایت یافتگان؛ برکت اموال؛ دخول در رحمت الهی؛ بهره‌مندی از اجر کریم و تزکیه نفس. همچنین آثار انفاق در تهذیب و تکامل جامعه ایمانی به این ترتیب است: عدالت اجتماعی و تعدیل ثروت؛ ایجاد امنیت اجتماعی، رشد اقتصادی جامعه. نکات مهمی که از این مبحث به دست می‌آید، عبارت‌اند از: انفاق باید برای خدا باشد؛ همچنین بدون منت‌گذاری و امید اجر و پاداش باشد. تأثیر مهم انفاق در فرد، دل‌کندن و نفی تعلق به مال و امکانات دنیایی است و در جامعه، شناخت خلأها و پرکردن آن بیشترین تأثیر را خواهد داشت.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی‌النجفی، ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، قاهره: دار‌المعارف، [بی‌تا].

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴.

۳. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷ ش.
۴. _____، ولایت و حکومت، تهران: مؤسسه صباح، ۱۳۹۱ ش.
۵. خمینی، سیدروح‌الله، چهل حدیث، [بی‌جا]: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ ش.
۶. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: روزنه، ۱۳۷۳ ش.
۸. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه: محمد مهدی برهانی، [بی‌جا]: انتشارات دار الصدر، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۵ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۴۸ ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.